

روسانه دور دنیا

وقتی ابهت ادعایی جنگ طلبان در هم می‌شکند

وجه اشتراک دولت‌های بوش، اوباما، ترامپ و بایدن، حمایت از جنگ مستقیم یا نیابتی در مناطق مختلف دنیا و به‌خصوص غرب آسیاست. بوش پسر، رسماً با اشغال افغانستان و عراق، فصل نوینی از جنگ‌طلبی را در سیاست خارجی آمریکا آغاز کرد و دولت‌های بعدی آمریکا نیز دامنه‌مداخله نظامی مستقیم یا غیرمستقیم این کشور را بسط و گسترش دادند. با این حال امروز کسی آمریکا را پیروز این همه جنگ‌طلبی و اشغالگری تلقی نمی‌کند:

شکست بوش در مقابل تروریسم خودساخته



وجود دارد)، اشغال افغانستان را کلید زد. سال ۲۰۰۳ و پس از وقوع حادثه مشکوک ۱۱ سپتامبر و انهدام برج‌های دوقللو (که هنوز درخصوص آن ابهامات بسیار زیادی نیز دولت جورج بوش به بهانه وجود تسلیحات کشتارجمعی در عراق، دستور حمله به این کشور را صادر کرد. بوش به جامعه آمریکا القا کرده‌بود این همه جنگ، خونریزی و اشغالگری باهدف صیانت از جامعه آمریکا در مقابل تروریسم افراطی صورت می‌گیرد. اما با افشای دروغ‌های بوش در حمله به عراق و افغانستان و افزایش تضادی شمار تلفات آمریکا در این دو کشور، شهروندان آمریکایی خود را بازنده این نبرد دانستند.

سکته اوباما در بنغازی

اوباما و همراهانش پس از حضور در قدرت همان سیاست‌های اشغال‌گرایانه بوش را ادامه داده و فراتر از آن، پیباده نظام و ساختار

عملیاتی تروریست‌های تکفیری را در سوریه و عراق شکل دادند. گرچه اوباما در ظاهر از جنگ و اشغالگری چندان حمایت نمی‌کرد اما با حمایت از داعش، خونین‌ترین دوران را در منطقه غرب آسیا رقم زد. با همه این اوصاف، بسیاری از تحلیلگران از حادثه بنغازی به‌عنوان نقطه فاجعه‌بار سیاست خارجی دولت اوباما یاد می‌کنند. جایی که در آن، ابهت ادعایی آمریکا به یکباره در هم شکست.

ترامپ چگونه برای فرار از جنگ دروغ گفت

سال ۲۰۱۸ رزمندگان جبهه مقاومت در منطقه توانستند تروریسم تکفیری ساخته و پرداخته دست آمریکا، رژیم

صهیونیستی و رژیم سعودی را سرنوگن ساخته و پیروزی بزرگی را به سود امنیت جهان اسلام رقم بزنند. در چنین شرایطی ترامپ که خود را بازنده این نبرد طولانی‌مدت می‌دانست، تصمیم به تور فرماندهان ارشد مقاومت، یعنی سردار حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس گرفت. پس از شهادت مظلومانه این دو فرمانده بزرگ جبهه مقاومت در عملیات فرودگاه بغداد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌موشکباران عین‌الاسد (پایگاه اشغالگران آمریکای در عراق) پرداخت. ترامپ پس از حدود ۲۴ ساعت، در کنفرانسی خبری مدعی شد که اتفاقی برای نیروهای آمریکایی رخ نداده‌است. با این حال، پس از مدتی کوتاه مشخص شد که این ادعا کاملاً دروغ بوده و ترامپ برای فرار از جنگ با ایران و شکست در این نبرد، به افکار عمومی آمریکا دروغ گفته‌است.

وقتی بایدن دستور فرار را صادر کرد

بایدن اکنون به‌واسطه صدور دستور فرار فوری نیروهای اشغالگر آمریکایی از افغانستان، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته‌است. به عبارت بهتر، بایدن به‌نماد شکست نهایی واشنگتن در افغانستان و شبه‌قاره هند تبدیل شده‌است. هم‌اکنون کماکان صدها تبعه آمریکایی در افغانستان در انتظار فرار از این کشور هستند و ده‌ها سرباز آمریکایی نیز در انفجار فرودگاه کابل، کشته و زخمی شدند. نظرسنجی‌های صورت‌گرفته در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که نحوه مواجهه بایدن با تحولات افغانستان، به‌کاهش شدید محبوبیت او منجر شده‌است.



چاره‌ای جز نامزدی دوباره در انتخابات ندارم!

دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا درباره این‌که آیا برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ نامزد خواهد شد یا خیر گفته که چاره‌ای جز این ندارد. رئیس جمهور آمریکا اجرای خروج نظامیان و تجهیزات آمریکایی توسط دولت جو بایدن را «بزرگ‌ترین شومساری تاریخ آمریکا» توصیف کرد. او گفت: «وقتی که به افغانستان و اتفاقاتی که آنجا افتاد نگاه می‌کنید می‌بینید عده‌ای بدون دلیل کشته شدند. واقعا بدون هیچ دلیلی کشته شدند.»/ فاکس نیوز



سران حکومت آمریکا همواره خود را بهترین مدیران و استراتژیست‌های حوزه امنیت داخلی و سیاست خارجی دانسته‌اند. آیا این ادعا صحیح است؟

کشور ادعاهای بی‌پایان

از زمان تشکیل آمریکا تاکنون، روسای جمهور مختلفی در این کشور بر سرکار آمده‌اند. وجه اشتراک تمام این سیاستمداران، اتکا بر ابرقدرتی ذاتی آمریکا بوده‌است. این روند، پس از پایان جنگ جهانی دوم از شدت بیشتری برخوردار بوده‌است. مقامات آمریکایی معتقدند بهترین آمادگی ممکن را برای مواجهه با انواع رخدادها و سناریوها در داخل کشورشان و جهان داشته‌اند و اساساً متخصصان مدیریت بحران محسوب می‌شوند. راستی آزمایی این ادعا، با توجه به آنچه اکنون در داخل و خارج از آمریکا می‌گذرد، چندان دشوار نیست. در اینجا به بررسی مواجهه چهار دولت اخیر آمریکا (بوش، اوباما، ترامپ و بایدن) با بحران‌های داخلی و خارجی در آمریکا و ماحصل عملکرد آنها می‌پردازیم:

حنیف غفاری

بین‌الملل

حوادث غیرمترقبه و سیاستمداران غیرمسئول

وقوع حوادث غیرمترقبه در آمریکا ازجمله توفان، سیل و آتش‌سوزی‌های مکرر در جنگل‌های این کشور، همواره به یکی از چالش‌های سیاستمداران و صاحبان قدرت در این کشور تبدیل شده‌است. دموکرات‌ها و جمهور یخو‌خواهان از سوی شهروندان آمریکایی متهم هستند که اقدامات پیشگیرانه و فراتر از آن، اقدامات فوری را در زمان وقوع بحران صورت نمی‌دهند. بی‌دلیل نیست که هرگاه حادثه‌ای از این دست در آمریکا رخ می‌دهد، روسای جمهور خود را در معرض کاهش محبوبیت در نظرسنجی‌ها و انتقادات افکار عمومی (به‌خصوص در مناطق آسیب‌دیده) می‌بینند.

کاترینا؛ پاشنه آشیل دولت بوش



فاجعه را می‌پذیرد.

بوش به خبرنگاران گفت وقوع آن حادثه پرسش‌هایی را درباره توانایی دولت در نشان دادن واکنش به بلایای طبیعی پیش آورده‌است. رئیس جمهور اسبق آمریکا پس از مواجهه با اعتراض‌های شدید افکار عمومی اعتراف کرد:

کاترینا ایرادهای جدی را در توانایی ما در نشان دادن واکنش (به بلایای طبیعی) در تمام سطوح دولت آشکار کرد و تا جایی که مساله به ناکامی دولت فدرال در انجام درست وظایفش مربوط می‌شود، من مسؤولیت آن را می‌پذیرم.

مایکل براون، رئیس سابق آژانس مدیریت امور اضطراری آمریکا در دوران بوش نیز به دلیل نحوه رسیدگی دولت فدرال به آن توفان به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت و در نهایت ناچار شد استعفا دهد. صدها نفر بر اثر توفان کاترینا جان خود را از دست دادند.

توفان سندی؛ آزمون‌ی که اوباما در آن مردود شد



در سال ۲۰۱۲ و در دوران ریاست جمهوری اوباما نیز عملکرد ضعیف او پس از خرابی‌های ناشی از توفان سندی، باعث انتقادهای گسترده مردمی شد. اولین موج توفان از هفت ایالت بحران زده حاشیه اقیانوس اطلس شروع شد و طی چند روز با عبور از کوبا، کانادا و کشورهای حوزه کارائیب به شمال شرق آمریکا رسید و خرابی‌های زیادی را بر جای گذاشت.

خسارات توفان سندی، جامعه آمریکا را با بحرانی جدی مواجه کرد و درحالی‌که خانه‌های زیادی تخریب و درختان بسیاری واژگون شده‌بود، میلیون‌ها آمریکایی با قطع سیم‌های برق و تلفن، کمبود آب سالم، غذا و مایحتاج عمومی روبه‌رو شدند. این توفان علاوه‌بر به وجود آوردن ویرانی‌های زیاد در ایالات مریلند، نیوجرسی، ویرجینیا و پنسیلوانیا، بیشترین خسارت را در نیویورک بر جای گذاشت به‌گونه‌ای که مایکل بلومبرگ، شهردار نیویورک از آن با عنوان توفانی با ابعاد بی‌سابقه که تخریب گسترده‌ای ایجاد کرد، یادکرده‌است.

هرچند ارتش آمریکا یک واحد مهندسی خود را برای کمک به راه‌اندازی مترو به نیویورک اعزام کرد اما مردم این ایالات از بی‌توجهی مسئولان دولتی و شهری بیش از مشکلات به وجود آمده از خسارات توفان سندی ناراحت هستند. رسیدگی‌های اندک و دیر هنگام

مسئولان به مشکلات مردم، شهروندان نیویورکی را خشمگین ساخت. سرانجام پس از

رد طرح صهیونیست‌ها توسط حماس

حازم قاسم، سخنگوی جنبش حماس تأکید کرد رژیم صهیونیستی و اقیعت ملت فلسطین را درک نمی‌کند. پایگاه خبری الخلیج الجديد به نقل از قاسم گزارش داد، طرح رژیم صیهونیستی که یانیر لاپید وزیر خارجه این رژیم، درباره بهبود شرایط غزه مطرح کرد، صرفاً وعده‌های دروغین و پوچ است که عملاً جنبه اجرایی ندارد. وی تأکید کرد، حماس بخشی از این طرح شکست خورده نخواهدبود و این طرح محکوم به شکست است. / فارس

آمریکا علیه آمریکا

طی دو دهه اخیر، اعتراضات گسترده‌ای در آمریکا ناظر بر ساختار نظام سرمایه‌داری و در رد لیبرال دموکراسی رخ داده‌است. برخی از این اعتراضات به سراسر ایالات متحده گسترش پیدا کرد و مولد جنبش‌هایی در مبارزه با حکومت این کشور شد. هر اندازه زمان سپری می‌شود، این اعتراضات گسترده‌تر و قدرت پلیس فدرال و گارد ملی آمریکا برای سرکوب آنها کمتری می‌شود.

پیش به سوی اشغال وال استریت



بود. خواسته اشغال‌کنندگان وال استریت عمدتاً رفع نابرابری‌های اقتصادی، مبارزه با فرهنگ اقتصادی سرمایه‌داری و از بین بردن دسترسی و نفوذ دلان شرکی و غول‌های پولی در دولت آمریکا بود.

برخی جوانان آمریکایی در خیابان وال استریت مقر بورس نیویورک در تاریخ ۱۷ سپتامبر در اعتراض به اوضاع وخیم اقتصادی و اختلاف طبقاتی آمریکا و سیاست کنونی این کشور دست به تظاهرات گسترده زدند. معترضان در این تجمعات در پارک خصوصی «زوکچی» در نیویورک، کمپی برای اقامت برقرار کردند که چند خیابان با بورس اوراق بهادار، واقع در ساختمان وال استریت فاصله دارد. پس از شکل‌گیری هسته اولیه اعتراضات، بسیاری از شهروندان آمریکایی در نیویورک به جوانان معترض پیوستند.

در میان شعارهای تظاهرکنندگان جملاتی مانند «به کار بانک مرکزی پایان دهیم!، وقتی ثروتمندان پول فقرا را می‌دزدند، نام آن را معامله تجاری می‌گذارند، وقتی فقرا از خود دفاع می‌کنند، نام آن خشونت گذاشته می‌شود، وال استریت را نابود کنیم، پیش از آن که دنیا را نابود کند!» شنیده می‌شد.

فریادهای ناتمام علیه نژادپرستی در آمریکا

طی سال‌های گذشته، اعتراضات علیه نژادپرست سیستماتیک در آمریکا سرتاسر این کشور را فرا گرفته‌است. حتی در دوران ریاست جمهوری اوباما به‌واسطه قتل دو سیاه‌پوست به نام

مایکل براون و اریک گارنر، اعتراضات گسترده‌ای شکل گرفت که توسط پلیس فدرال سرکوب شد اما اوج نقطه خشم و انفجار جامعه آمریکا از تبعیض نژادی به ماجرای قتل جورج فلوید، سیاه‌پوست غیرمسلم توسط پلیس بازمی‌گردد.

اعتراض‌ها به کشته‌شدن جورج فلوید از شهر مینیاپولیس در ۲۶ می ۲۰۲۰ آغاز شد و به سایر نقاط ایالات متحده آمریکا گسترش یافت. این اعتراضات ابتدا در برخی مناطق به صورت صلح‌آمیز انجام شد و در برخی دیگر شکل شورش به خود گرفت. اعتراض‌ها به مرگ جورج فلوید و رفتار خشونت‌آمیز پلیس، طی چهار روز به ۷۰ شهر دیگر ایالات متحده آمریکا گسترش یافت. حداقل در ۱۲ شهر بزرگ ایالت متحده، حکومت نظامی و منع رفت‌آمد به اجرا درآمد. این اعتراضات دیگر کشورهای جهان را نیز در بر گرفت و مردم برای نشان دادن همبستگی خود با معترضان آمریکایی و در محکومیت نژادپرستی و حمایت از پویش «زندگی سیاهان مهم است» در استرالیا، انگلیس، فرانسه، آلمان و سایر کشورها تجمعات اعتراضی برگزار کردند. سازمان ملل نحوه مرگ جورج فلوید را «فاجعه‌بار» خواند و همچنین کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از دولت آمریکا خواست تدابیری اتخاذ کند تا دیگر شهروندان این کشور شاهد مرگ بی دلیل آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار نباشند. کار به جایی رسید که دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا از ارتش (بالاترین نهاد نظامی آمریکا) خواست با اعتراضات مقابله کند و تظاهرکنندگان را مستقیماً هدف قرار دهد.

روزی که ساتورها زیر میز رفتند



شورش و حتی نبرد مسلحانه در خیابان‌های ایالات متحده برزند.

در پنجم و ششم ژانویه ۲۰۲۱ طرفداران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده در واشنگتن دی. سی تجمع کردند تا به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ اعتراض کرده و از درخواست ترامپ از معاون رئیس جمهور مایک پنس و کنگره برای رد کردن پیروزی رئیس جمهور منتخب جو بایدن حمایت کنند. ترامپ در سخنانی خود به هوادارانش دستور داد به سمت پایتخت آمریکا بروند تا اطمینان حاصل شود انتخابات ۲۰۲۰ منتهی است. متعاقباً گروهی طرفدار ترامپ به کنگره رفتند و سرانجام به ساختمان آن حمله کردند. آنها در بیرون کنگره آتش وسیعی روشن کردند و وارد ساختمان‌های آن شدند. بسیاری از سناتورها ناچار شدند زیر میز و میان صندلی‌ها پناه بگیرند. در آن زمان کنگره در جلسه‌ای بود که شمارش آرای کالج انتخابات را انجام می‌داد و در مورد آن بحث می‌کرد. در هر حال، معترضان با شکستن موانع امنیتی توانستند به کاخ‌کنگره آمریکا وارد شوند و تالار سنا را اشغال کنند. چند ساختمان در مجموعه کاخ کنگره آمریکا ایالات متحده تخلیه شدند و در ادامه ورودی ساختمان‌های مجموعه قفل شدند. بر اثر درگیری پلیس و اشغالگران کنگره، حداقل پنج نفر از طرفداران ترامپ و یک پلیس کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند.